

## مقاله پژوهشی: مدل امنیتی مناطق شکننده ژئوپلیتیکی مورد مطالعه منطقه خلیج فارس

علی فاطمی نسب<sup>۱</sup>، محمدرضا کمالی<sup>۲</sup>، حسن خوزین<sup>۳</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

### چکیده

خلیج فارس از منظری کلی منطقه‌ای راهبردی و جهانی است که دربرگیرنده هشت کشور بوده و به دلیل حساسیت جغرافیایی و داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و تنگه ژئواستراتژیک هرمز در کانون توجه قدرت‌های جهانی می‌باشد. کشورهای این حوزه به دلیل هم‌جواری با پهنه آبی و سهیم بودن در مسائل آن داشتن اشتراکات جغرافیایی فراوان تشکیل یک "منطقه ژئوپلیتیکی" را می‌دهند، که ویژگی انرژیک این منطقه سبب مداخله بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و شکل‌گیری ترتیبات امنیتی خاصی شده، که همه کشورهای منطقه را در بر نمی‌گیرد و این امر سبب تقابل کشورهای منطقه و تهدیدهای امنیتی شده است. با توجه به غلبه عوامل و اگر برهمگرا سوال تحقیق این است که چه مدل امنیتی برای این منطقه می‌توان ترسیم نمود؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و موردی زمینه‌ای با رویکرد آمیخته می‌باشد. حجم نمونه آماری ۷۰ نفر به صورت تمام شمار و هدفمند بوده و برای روایی از ابزار اندازه‌گیری محتوایی (صوری و منطقی) و پایایی از روش آلفای کرونباخ در هر سه مرحله استفاده شده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه همکاری و همگرایی منطقه‌ای، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و نظریه تکامل مناطق ژئوپلیتیکی می‌باشد. برای اعتبارسنجی مدل، با استفاده از معادلات ساختاری تفسیری (SEM)، روابط پیچیده میان عناصر این مدل، از طریق همبستگی بین مؤلفه‌ها (متغیرهای آشکار) و ابعاد (متغیرهای مکنون) تعیین و سرانجام مدل با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس اجرا گردیده و توسط محقق تفسیر گردید. رنهایت شش بُعد، پنجاه‌ونه مؤلفه مؤثر بر مدل امنیت منطقه خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیکی احصاء گردید. شایان ذکر است از بین شش عامل ژئوپلیتیکی، بعد طبیعی (فیزیکی) بیشترین همگرایی و بعد نظامی کمترین همگرایی را در امنیت جمعی خلیج فارس دارند. اولویت‌بندی ابعاد ژئوپلیتیکی که در ایجاد امنیت در منطقه خلیج فارس مؤثر می‌باشند عبارتند از: عوامل اقتصادی، عوامل انسانی، عوامل فرهنگی اجتماعی، عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی) عوامل طبیعی (فیزیکی)، و عوامل نظامی.

**واژگان کلیدی:** عوامل همگرا، عوامل و اگر عوامل ژئوپلیتیک، امنیت، خلیج فارس

<sup>۱</sup> - دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول): ali.ngat@chmail.ir

<sup>۲</sup> - استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

<sup>۳</sup> - دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

هر منطقه ژئوپلیتیکی ویژگی‌های خاص خود را دارد به نحوی که هویت آن منطقه را مشخص می‌کند. مهم‌ترین ویژگی امروز منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، در کنار هویت اسلامی مردم، وجود منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز آن است که نظر کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای صنعتی و عمده مصرف‌کننده نفت و گاز را به خود جلب کرده است این ویژگی انرژی‌های منطقه سبب مداخله بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری ترتیبات امنیتی خاصی شده، که همه کشورهای حوزه خلیج فارس را در برنمی‌گیرد و این امر سبب تقابل کشورهای منطقه و تهدیدهای امنیتی شده است. از طرفی کشورهایی که در مناطق مشترک ژئوپلیتیکی قرار دارند با تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای، اتحادیه‌ها و ترتیبات امنیتی، سعی در حفظ امنیت ملی و منافع خود در پیوند با کشورهای هم‌جوار دارند. شکل‌گیری ترتیبات امنیتی زمینه را برای همیاری و مشارکت منطقه‌ای به منظور حفظ امنیت منطقه و در نتیجه امنیت کشورهای منطقه فراهم می‌کند. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز به دلیل هم‌جواری با پهنه آبی و سهمی بودن در مسائل آن و داشتن اشتراکات جغرافیایی فراوان تشکیل یک "منطقه ژئوپلیتیکی" را می‌دهند، در واقع خلیج فارس نشان‌دهنده الگوی یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیک می‌باشد که دربرگیرنده ملت‌هایی است که از نظر فرهنگی تفاوت‌هایی دارند، ولی از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی از شباهت‌هایی نیز برخوردارند. اما این منطقه تحت تأثیر حساسیت‌های ژئوپلیتیکی، مورد توجه و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا است. این مداخلات سبب تغییراتی در ترتیبات امنیتی منطقه شده و آن را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحران و منازعه در جهان امروز تبدیل کرده است. روابط بین کشورهای این منطقه روابطی چندبعدی و پیچیده محسوب می‌شود. در جنوب خلیج فارس، کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار دارند. آن‌ها به دلیل برخورداری از منابع عظیم نفت و دستیابی به ثروت فراوان، دو دهه اخیر در عرصه نوسازی، گوی سبقت را از دیگر کشورهای منطقه ربوده‌اند و در روابط با جمهوری اسلامی ایران هم وضعیت خاصی دارند. از یک سو، روابط خوب اقتصادی میان برخی از کشورهای این منطقه، پیوندهای آن‌ها را عمیق‌تر و مناسب‌تر و مناسب‌شان را تقویت کرده است و از سوی دیگر، تنش میان این کشورها در چند دهه گذشته، با فراز و فرودهایی ادامه داشته است از جمله این تنش‌ها عبارتند از:

۱. اتخاذ مواضع این کشورها در مخالفت با مواضع ایران در جنگ سوریه و حمایت سیاسی و مالی از گروه‌های تروریستی - تکفیری در سوریه و منطقه؛
۲. تلاش زیاد در جهت تضعیف محور مقاومت توسط برخی کشورها مانند عربستان و امارات متحده عربی؛

۳. ایجاد پیمان‌های نظامی دو یا چندجانبه بین آمریکا و برخی کشورهای این منطقه و خرید مبالغ هنگفت تسلیحات از آمریکا و سایر کشورهای غربی؛

۴. اختلاف مرزی این کشورها با یکدیگر؛

۵. عضویت تمامی این کشورها در شورای همکاری خلیج فارس (به غیر از ایران و عراق)

نظر باینکه این منطقه دربرگیرنده هشت کشور با وزن‌های ژئوپلیتیکی متفاوت است و کشورهای هر منطقه معمولاً به دنبال تأمین امنیت خود هستند، و این نیاز اصلی کشورها می‌تواند سبب گرایش آن‌ها به سمت ترتیبات امنیتی مشترک منطقه‌ای شود، اما این منطقه (خلیج فارس) به دلیل اهمیت جهانی و قرار گرفتن در هارتلند و بیضی انرژی تحت تأثیر عوامل دیگری نیز قرار دارد و برخلاف انتظار مناطق ژئوپلیتیکی، هنوز به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی نرسیده است، با توجه به اینکه عوامل و اگرچه بر همگرا در این منطقه غلبه داشته و این عوامل می‌تواند بر امنیت این منطقه تاثیرگذار باشد لذا محقق بدنبال پاسخگویی به این سوال است که چه نوع مدل امنیتی متاثر از عوامل ژئوپلیتیکی می‌توان برای این منطقه ترسیم نمود که همه کشورهای این منطقه را دربرگیرد؟

### مبانی نظری تحقیق

#### الف - پیشینه شناسی

- محمدرضا حافظ نیا، محمدرضا کمالی، حسین ربیعی، علی فاطمی نسب (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر همگرایی امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس" با استفاده از روش دلفی کلاسیک، مولفه‌های ژئوپلیتیکی همگرا را طی سه مرحله احصاء نموده و نهایتاً ۳۴ مولفه مورد اجماع قرار گرفت. طبق یافته‌های تحقیق مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیکی موثر بر همگرایی امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس عبارتند از: پیروی اکثریت مردم منطقه از دین مبین اسلام به عنوان عامل پایدار و انسجام بخش، همجواری و پیوستگی جغرافیایی کشورهای منطقه، ارتباط کشورهای منطقه خلیج فارس با حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهم منطقه غرب آسیا.

- محمدرضا حافظ نیا، عبدالرضا فرجی‌راد، محمدحسن نامی، رضا شاملو (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی علائق مشترک و چالش‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس" به واکاوی علائق مشترک و چالش‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس پرداخته است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز کتابخانه‌ای و اسنادی است و برای تحلیل داده‌ها از روش‌های تجزیه و تحلیل

آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. در پایان نیز با بهره‌گیری از آزمون فریدمن، تعداد ۱۵ عامل به عنوان علائق و ۲۱ عامل به عنوان مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس احصاء گردیدند.

– ابوالفضل زمانی، محسن زمانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس" به روش توصیفی – تحلیلی به این سوال پاسخ داده‌اند که چه عواملی سبب ایجاد همگرایی و نزدیکی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود؟ از دید جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عوامل و عناصر جغرافیایی و به طور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرایندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی خلیج فارس است که نقش بی‌بدیلی را در رویدادهای جهانی ایفا می‌کند. در این زمینه ایجاد همگرایی در این منطقه ژئوپلیتیکی و افزایش زمینه‌های آن یکی از الزامات برای توسعه و پیشرفت در این منطقه ژئوپلیتیکی می‌باشد. بطور کلی عوامل ایجاد کننده همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را میتوان این عوامل دانست. مسائل زیست محیطی، عوامل ژئوکالچر، اشتراکات فرهنگی، عوامل اقتصادی، و در اختیار داشتن ذخایر عظیم هیدروکربنی.

– بهاره سازمند، مهدی جوکار (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پوشش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس" که به روش توصیفی – تحلیلی انجام شده به این سوال پاسخ داده که براساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای چه الگوهای روابطی در منطقه خلیج فارس به عنوان یک زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای وجود دارد؟ تحولات جهان عرب که از اواخر سال ۲۰۱۰ شروع شد باعث فعال شدن بیش از پیش گسل‌های کشمکش‌زا بین کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس شده و گذار الگوهای رقابت به سمت الگوی دشمنی بین ایران و عربستان را به دنبال داشته است به گونه‌ای که شاهد نوعی جنگ نیابتی این دو کشور در عراق و سوریه و یمن هستیم. از سوی دیگر، به دلیل گذار الگوهای روابط از رقابت به دشمنی، فضا برای دخالت بیش از پیش قدرت‌های فرا منطقه‌ای به عنوان عامل نفوذی بازتر شده است. امری که معضل نبوده یک سیستم مدیریت نظم منطقه‌ای و عدم اجماع در مورد آن را تشدید کرده است. در این شرایط هویت‌ها به عاملی اصلی برای تشدید دشمنی‌ها تبدیل شده و بحث عرب – عجم و شیعی – سنی به صورت نقطه ثقل رقابت‌های راهبردی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و در راس آنها عربستان با ایران آمده که در دامنه آن به دیگر زیر مجموعه‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و به ویژه مجموعه شامات نیز کشیده شده است.

- احسان یاری، وحید عبدعلی پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی موانع ژئوپلیتیکی شکل‌گیری رژیم امنیتی پایدار در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس" به این سوال پاسخ داده که مهمترین موانع ژئوپلیتیکی بر سر راه شکل‌گیری رژیم امنیتی پایدار در منطقه خلیج فارس "کدامند؟ در بررسی و نتایج مقاله مشخص گردید از موانع پیش روی، پنج مانع اصلی وجود دارد که عبارتند از:

۱- اختلافات ارضی و مرزی در خلیج فارس ۲- حضور قدرت های بزرگ فرامنطقه‌ای ۳- مساله فلسطین ۴- مساله دموکراسی و ۵- گروه‌های بنیادگرا و تهدید تروریسم که نه تنها باعث بی‌ثباتی کشورهای منطقه شده بلکه مبنای بسیاری از مداخلات در امور داخلی کشورها یا اقدامات نظامی علیه آنها را فراهم کرده است.

- عباس عباسپورباغابری، محمدحسن خوجوئی راوری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی امکان سنجی ایجاد همگرایی امنیتی در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس از منظر رئالیسم ساختاری" با روش توصیفی- تحلیلی به این سوال پاسخ داده است که امکان ایجاد همگرایی امنیتی چندجانبه در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس از منظر رئالیسم وجود دارد؟ خلیج فارس با توجه به برخی ویژگیهای منحصر به فرد خود، از جمله وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، وجود قطب‌های تجاری و موقعیت ویژه آبراهی و راهبردی یکی از مناطق راهبردی و ژئوپلیتیک دنیا است. دستیابی به یک همگرایی امنیتی در این حوزه، مستلزم استفاده از فرصت‌های موجود و به کارگیری راهکارهای تنش‌زدایانه در مقابل چالش‌های پیش‌رو است. در صورت تحقق چنین اتحادی در خلیج فارس، حفظ امنیت و ثبات منطقه بر عهده کشورهای منطقه و بدون مداخله کشورهای دیگر خواهد بود

- حسین هرسبیچ، جواد ابراهیمی پور، سید مرتضی نوعی باغبان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "روابط کشورهای منطقه خلیج فارس و ایران از منظر واگرایی" به این سوال پاسخ داده که روابط کشورهای منطقه خلیج فارس چگونه است و تا چه حد منطقه‌گرایی در خلیج فارس قابل عملیاتی شدن است؟ نویسندگان اینگونه پاسخ داده‌اند که موانع بسیاری بر سر راه نهاده‌سازی و تقویت روابط همکاری‌جویانه میان ایران و کشورهای عرب منطقه خلیج فارس وجود دارد. مسائل ریشه‌دار فرهنگی و تفاوت‌های ایدئولوژیکی میان ایران و همسایگان عرب خود جدایی انداخته است. اگرچه «احساس امنیتی سازی روابط خارجی» ایجاد توازن در روابط میان ایران و همسایگان عرب خود را از طریق اهداف غیرعادی مشروعیت می‌دهد و زمینه‌های ایران هراسی را تقویت می‌کند، اما این امر خبر از

تسریع مسابقه تسلیحاتی و هسته‌ای در منطقه می‌دهد و از همه مهم‌ترین‌ها که قابلیت رویارویی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در مواجهه با آمریکا را کاهش می‌دهد.

### مفهوم شناسی

**مناطق شکننده:** مجموعه کشورهایایی که نزدیکی جغرافیایی بهم داشته و با هم منطقه‌های ژئوپلیتیکی را تشکیل داده اما عوامل واگرایی ژئوپلیتیکی بر عوامل همگرایی غلبه داشته و همواره میزان تنش بین آنها زیاد است، را مناطق شکننده گویند. (محقق)

**امنیت جمعی:** از بین سطوح امنیت گروهی و جمعی، سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ادبیات روابط بین‌الملل نمود بیشتری دارند و مباحث امنیتی عمدتاً بر محور امنیت ملی سپس امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی دور می‌زند که از دو سطح اخیر آن، تحت عنوان امنیت جمعی یاد می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۸).

امنیت جمعی در مقابل اصطلاح امنیت فردی طراحی شده و هدف از آن، مرجعیت دادن به منافع جمعی (در مقابل منافع شخصی) در معادلات امنیتی است. امنیت عمومی در ایجاد امنیت جمعی موثر است اما منحصر به آن نیست. (مرادیان، ۱۳۹۶: ۲۷۶)

**امنیت منطقه‌ای:** امنیت منطقه‌ای باید به گونه‌ای باشد که طبق آن واحدهای تشکیل دهنده یک منطقه بر حسب نگرانی‌ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدها، به منظور ایجاد و حفظ امنیت خود، تن به قواعد و ساز و کارهایی مشخص می‌دهند. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۲۵)

مجموعه‌ای از کشورها که نسبت به یکدیگر نزدیکی جغرافیایی داشته و تعاملات امنیتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم دارند. (قوام، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

**واگرایی:** به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل گفته می‌شود که موجب دوری از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های بحران و جنگ می‌گردد. (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۵۹۸)

**ژئوپلیتیک:** «ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷).

**عوامل ژئوپلیتیک:** هرگاه عوامل یک واحد جغرافیایی با مؤلفه‌های قدرت (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی) برخورد نماید، تعاملاتی حاصل از این برخورد ایجاد شده که به صورت کنشی و واکنشی، این تعاملات بر سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک منطقه یا کشور اثر خواهد گذاشت. (بیک، ۱۳۹۵: ۲۶)

همگرایی: واژه‌ای است که در برابر واگرایی مطرح می‌شود و عبارت است از فرآیندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم به طور داوطلبانه و آگاهانه قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهت دستیابی به اهداف مشترک‌شان صرف‌نظر کرده و از یک قدرت ما فوق ملی تبعیت می‌نمایند.

درهمگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف در زمینه‌های ناسیونالیستی همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ملی‌گرایی، پابندی به منافع جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق شروع و گسترش همکاری فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در یک منطقه یا جهان کمک نمود. (آشوری، ۱۳۸۵: ۴۹).

**رابطه ژئوپلیتیک و امنیت:** از آنجا که هدف دولت‌ها افزایش امنیت و تأمین رفاه مردم است، عوامل ژئوپلیتیکی یا قدرت ملی یک کشور نیز ذاتاً میل به بسط و گسترش دارند. بنابراین، می‌توان میان افزایش امنیت و رفاه یک ملت با افزایش قدرت ژئوپلیتیکی رابطه‌ای مستقیم و مثبت برقرار کرد. از برقراری این رابطه میان عوامل ژئوپلیتیکی با امنیت و رفاه یک ملت، خصیصه پویایی عوامل ژئوپلیتیکی جلوه می‌کند. بر این اساس دولت‌ها می‌کوشند با بهره‌گیری از عوامل ژئوپلیتیکی، قدرت خود را افزایش داده و ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و توانایی‌های جدیدی را جهت افزایش امنیت و رفاه کشور و مردم خود ایجاد کنند. در واقع عوامل ژئوپلیتیکی یا مؤلفه‌های قدرت ملی پدیده‌ای دو وجهی است، یعنی هم وسیله است و هم هدف؛ وسیله است، زیرا دولت‌ها و رهبران سیاسی از آن برای تحصیل اغراض سیاسی، اهداف و امنیت ملی خود استفاده می‌کنند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

از این منظر عوامل ژئوپلیتیکی در دو قلمرو از سوی دولت‌ها به کار گرفته می‌شوند: قلمرو داخلی و قلمرو خارجی در قلمرو داخلی از قدرت (عوامل ژئوپلیتیکی) برای قانون‌گذاری، ضابطه‌مندی، تنظیم امور و روابط اجتماعی، اجرای قانون و عدالت اجتماعی و تأمین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته ذیربط نظیر نهادهای قانونگذاری، قضایی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی و... استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی برای حفاظت از منافع ملی، تأمین نیازهای ملی از مبادیفرای کشوری، تأمین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و غیر آن از قدرت ملی استفاده می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

#### ۱- نظریه تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه به‌عنوان زیر مجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که از نظر ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار است و بر پایه خصیصه‌های ساختاری و کارکردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌گردد. منطقه می‌تواند خشکی‌پایه، آب‌پایه و یا

تلفیقی باشد و از مقیاس‌های کوچک، نظیر دریاچه یا شبه جزیره تا مقیاس‌های بزرگ، مانند اقیانوس و یا قاره را در برگیرد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۵)

مناطق جغرافیایی بر پایه یک یا چند خصیصه ساختاری، چون: کالبد فضا، نوع اقلیم، نوع زبان، نوع دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن و یا خصیصه‌های کارکردی، نظیر: تولید محصول و یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و ... تعیین هویت می‌شوند. منطقه یک اصطلاح جغرافیایی است که در صورت باردار شدن عناصر و خصیصه‌های آن از نظر سیاسی، تغییر ماهیت می‌دهد و به منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱) مناطق ژئوپلیتیکی استاتیکی نبوده و سرشتی دینامیک و پویا دارند و دینامیسم آن‌ها بر پایه «نظریه تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی» ارائه شده است از مدل نظری خاصی تبعیت می‌کند. مطابق این مدل، تحول و تکامل هر منطقه ژئوپلیتیکی در چهارچوب مراحل پنج‌گانه زیر انجام می‌پذیرد:

**مرحله اول:** وجود یک منطقه جغرافیایی محض است که بر پایه یک یا چند خصیصه یا عنصر ساختاری و کارکردی دارای تجانس و یگانگی است. چنین منطقه‌ای به مثابه کالبد فضایی و چهارچوب جغرافیایی فرایندهای سیاسی عمل می‌نماید.

**مرحله دوم:** پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی است. پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن منطقه از نظر سیاسی است؛ بدین معنی که عناصر، ارزش‌ها و خصیصه‌های ساختاری و کارکردی منطقه جغرافیایی از نظر بازیگران سیاسی، به‌ویژه حکومت‌ها ارزش و اعتبار پیدا می‌کند و نظر آنان را به خود جلب می‌نماید. به سخن دیگر عناصر مزبور در اهداف، منافع و استراتژی بازیگران جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌نمایند.

**مرحله سوم:** شکل‌گیری و توسعه سازه ژئوپلیتیکی است. در این مرحله بازیگران سیاسی بر پایه تصور خود از ارزش‌ها و عناصر منطقه و نقشی که در تأمین منافع آن‌ها دارند، دست به اقدام و تکاپو می‌زنند تا کارکرد عناصر مزبور را به کنترل درآورند و در راستای اهداف و منافع خود آن‌ها را شکل دهند و از آن‌ها بهره‌برداری کنند و دست رقبا را از کنترل آن‌ها دور نگهدارند. آن‌ها سعی می‌کنند نقش عناصر مزبور را در راستای منافع خود مدیریت نمایند، رقبا را از دسترسی و مدیریت آن‌ها دور کنند و یا آن‌ها را علیه رقبای خود به کار ببرند.

در این مرحله و در پرتو فعال شدن بازیگران سیاسی، اعم از درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، الگوهای مختلف رابطه و رفتار، اعم از همگرایی، واگرایی، رقابت، کشمکش، ستیز، همکاری



بین بازیگران سیاسی برای کنترل و مدیریت ارزش‌ها و عناصر منطقه به وجود می‌آید که تشکیل شبکه‌ای پیچیده از روابط چندگانه و چند سطحی بین بازیگران محلی تا کروی را می‌دهد که دکتر حافظ‌نیا از آن به «سازه ژئوپلیتیکی» تعبیر می‌کند؛ بنابراین سازه ژئوپلیتیکی از جنس رابطه است که شامل شبکه‌ای از روابط بین بازیگران می‌شود و در طیفی از همگرایی و واگرایی در نوسان است و نیروهای همگرا و واگرا در منطقه ژئوپلیتیکی دائم با یکدیگر به رقابت و ستیز و یا همکاری مشغول‌اند. مناطق ژئوپلیتیکی جهان ممکن است برای مدت طولانی در این مرحله به سر ببرند، نظیر منطقه خلیج فارس و تداوم یا پایان این مرحله تا حد بسیاری به نقش دیپلماسی بستگی دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۸۹-۱۸۸)

**مرحله چهارم:** در این مرحله، منطقه بر سر دوراهی قرار دارد:

- غلبه نیروهای همگرا بر واگرا و توسعه همگرایی در منطقه بین بازیگران.  
- غلبه نیروهای واگرا بر همگرا و توسعه واگرایی در منطقه، البته حالت سومی نیز ممکن است تصور شود و آن موازنه بین نیروهای همگرا و واگراست که این وضعیت در واقع همان تداوم مرحله سوم یا سازه ژئوپلیتیکی است که به تقسیم نیروها، شکاف منطقه‌ای و کاهش کارکردها و اثربخشی پتانسیل‌های ذاتی منطقه‌ای کمک می‌کند.

در مرحله چهارم، نقش آفرینی دیپلماسی بسیار اهمیت دارد؛ چنانچه در پرتوی دیپلماسی مثبت، نیروهای همگرا در منطقه غالب شوند و منطقه به سوی همگرایی حرکت کند، نوعی ادراک-منفعت جمعی بین بازیگران پدیدمی‌آید و بازیگران به این نتیجه و خرد جمعی می‌رسند که دست‌یابی به اهداف و منافع آن‌ها در پرتوی همکاری، تعاون، ثبات و آرامش منطقه‌ای امکان‌پذیر است؛ بنابراین منطقه به سوی ثبات، آرامش، همگرایی و توسعه و فعال شدن کارکردها و پتانسیل‌های ذاتی آن حرکت می‌کند و به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی نائل می‌آید و زمینه را برای رسمی کردن همکاری منطقه‌ای فراهم می‌کند؛ برعکس چنانچه در پرتوی دیپلماسی منفی، نیروهای واگرا بر نیروهای همگرا در منطقه غلبه کنند، واگرایی توسعه می‌یابد و به بی‌ثباتی و هرج و مرج منطقه‌ای منجر می‌شود و منطقه را به سوی ستیز و جنگ بین بازیگران هدایت می‌کند.

**مرحله پنجم:** این مرحله محصول وضعیت دوگانه مرحله چهارم است، یعنی چنانچه نیروهای همگرا چیره شوند و منطقه به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی برسد و زمینه برای رسمیت پیدا

کردن همکاری و تعاون منطقه‌ای فراهم شود، در پرتوی اراده بازیگران سیاسی، سازمان منطقه‌ای تشکیل می‌شود. سازمان منطقه‌ای که در پرتوی دیپلماسی فعال، مثبت و همگراساز پدید می‌آید، در واقع چهارچوب نهادی و حقوقی رسمی است که الگوهای همکاری بین بازیگران را در یک یا چند بعد و بر پایه یک یا چند عنصر ساختاری و یا کارکردی تعریف می‌کند. تعداد زیادی از مناطق ژئوپلیتیکی جهان به این مرحله رسیده‌اند و سازمان منطقه‌ای در آن‌ها تشکیل شده است، نظیر: اروپا، آمریکای شمالی، جنوب شرق آسیا، اقیانوس کبیر و .... پایداری، استحکام و توسعه کارکردها و فعالیت‌های سازمان منطقه‌ای و سپس یکپارچگی کارکردی آن‌ها (نظیر اتحادیه اروپا)، مستلزم پایداری و تداوم نقش دیپلماسی مثبت و پایداری ادراک منفعت جمعی در بین بازیگران سیاسی است.

در نقطه مقابل چنانچه نیروهای واگرا بر همگرا در منطقه چیره شوند، منطقه به سوی تشدید بحران، ستیز و جنگ و یا برگشت به مرحله سوم حرکت خواهد کرد، مانند منطقه خلیج فارس، جنوب آسیا، قفقاز، شرق مدیترانه و جنوب غرب آسیا. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۸۹-۱۸۸)

## ۲- نظریه‌های روابط بین الملل

### الف-نظریه همگرایی

«ارنست هاوس»<sup>۱</sup> در این رابطه می‌گوید همگرایی عبارت است از گرایش به سوی ایجاد داوطلبانه واحدهای سیاسی بزرگ‌تری که هر یک از این واحدها به شکل خودآگاهانه‌ای از استفاده و به‌کارگیری زور در روابط خود با یکدیگر اجتناب می‌ورزند؛ و در جای دیگر می‌گوید، فرایندی که طی آن رهبران سیاسی کشورهای مختلف متقاعد و راغب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی سوق دهند که نهادهایش صلاحیت تصمیم‌گیری و رای ملی دارد (سیف زاده، ۱۳۸۶: ۳۰۷).

همگرایی فرایندی است که طی آن کشورهای مختلف به‌صورت داوطلبانه متقاعد می‌شوند تا فعالیت‌های خود را به سمت مرکزیت جدیدی جهت دستیابی به اهداف مشترک در سایه قدرتی فراملی سوق دهند. برخی نظریات همگرایی در پی اتحاد و همگرایی برای رفع تهدیدات خارجی هستند. این رویکرد که به‌واسطه توجه به کاربرد مفاهیمی نظیر قدرت، تهدید و دولت بر مبنای آموزه‌های رئالیسم در روابط بین‌الملل مبتنی است، استدلال می‌کند که ماهیت قطبی و آناشسی نظام بین‌الملل ایجاد اتحادها را

<sup>1</sup> Ernest B Haas

اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این راستا مارتین وایت تصریح می‌کند: کارکرد اتحادها تحکیم امنیت متحدان و ارتقای منافع آنان در جهان بیرونی است. (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶-۷۷)

### ب- نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل همانند نظریه همگرایی، در طیف «تئوری‌های همکاری» قرار دارد. نظریه وابستگی متقابل بر این نکته مبتنی است که در سیستم بین‌المللی معاصر، مسائل اقتصادی و رفاهی، جایگزین مسائل سیاسی و امنیتی شده و از این رو، زور و خشونت نمی‌تواند کار آیی مناسب در روابط اقتصادی بین دولت‌ها داشته باشد، بلکه برعکس، مذاکره، چانه‌زنی، ارتباطات متقابل و همکاری می‌تواند منافع اقتصادی و فناورانه طرفین را تأمین کند. بر این اساس وابستگی متقابل یک نظریه تکثرگراست و به کشورها و بازیگران دیگر هم اعتقاد دارد. به‌طور کلی وابستگی متقابل واجد بستر تکثرگرایی است و انواع آن در قالب نظریات اندیشمندانی مانند ریچارد روزکرانس، جیمز روزنا، ریچارد کوپر، جوزف نای و روبرت کوهن تبلور یافته است. (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۳)

### ۳- نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

نظریه مجموعه امنیتی منطقه به ما امکان می‌دهد ضمن درک این ساختار جدید توازن قوای نسبی و روابط دوسویه روندهای جهانی و منطقه‌ای شونده درون آن را ارزیابی کنیم. این نظریه سطح سیستمی تعامل قدرت‌های جهانی (دارای قابلیت فرامرزی عمل کردن) را از سطح زیر سیستمی تعامل قدرتهای ضعیف‌تر (که محیط اصلی امنیتی آنها منطقه پیرامون آنهاست) جدا می‌کند. ایده اصلی نظریه این است که چون انتقال تهدیدها در فواصل کوتاه‌تر به مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی‌تر است لذا وابستگی متقابل امنیتی به‌صورت طبیعی به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای این مجموعه‌های امنیتی تبدیل می‌شود. فریدبرگ می‌گوید "از نظر تاریخی اغلب دولت‌ها در وهله اول نگران قابلیت‌ها و نیت همسایگان خود بوده‌اند، میزان وابستگی متقابل امنیتی و فرایندهای امنیتی شدن در میان بازیگران داخلی چنین مجموعه‌هایی به مراتب بیش از همین میزان بین بازیگران داخلی مجموعه‌ها و بازیگران خارج از آنها است. ممکن است قدرت‌های جهانی در مقیاس وسیع در این مجموعه‌ها نفوذ کنند، اما پوشش‌های منطقه‌ای به میزان قابل توجهی مستقل از الگوهای مورد نظر قدرت‌های جهانی هستند. ترسیم چهره مناسبی از امنیت جهانی مستلزم فهم هر یک از سطوح به شکل مستقل و نیز تعامل آنها است. (بوزان، ترجمه قهرمان پور، ۱۳۹۶: ۱۶)

یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای گروهی از کشورهاست که معمولاً یک منطقه را تشکیل می‌دهند. یعنی نظم منطقه‌ای یا شیوه مدیریت مناقشه در داخل مجموعه امنیتی منطقه‌ای بود که در کنار سایر عوامل، ویژگی‌های یک مجموعه امنیتی منطقه را تشکیل می‌دهد همچنین می‌تواند به صورت متغیرهای مستقل عمل کند که بر نظام منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد.

البته منطقه معانی بسیار متفاوتی دارد یک تعریف رایج به مجموعه‌ای از کشورها اشاره دارد که با جغرافیا و یک ویژگی مشترک یا بیشتر - مانند سطح توسعه، فرهنگ، یا نهادهای سیاسی - با هم در پیوند هستند. در تعریف دوم، یک منطقه دسته‌ای از کشورها هستند که از نظر سیاسی وابستگی متقابل داشته یا تصور می‌کنند که اینگونه هستند. به طور کلی، نظریات نظام‌های منطقه‌ای، مناطق را به صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی در نظر می‌گیرند که از "درجه‌ای از نظم و ترتیب و انسجام برخوردارند به گونه‌ای که تغییر در یک نقطه بر سایر نقاط تأثیر می‌گذارد". نظریه‌های سازه انگار که اساساً همین تعریف را به کار می‌گیرند مناطق را به مثابه موجودات اجتماعی خلق شده می‌دانند؛ زیرا کشورها خود را اینگونه تصور می‌کنند که در یک منطقه مشترک همزیستی داشته و دارای آینده مشترکی هستند.

مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ارتباط تنگاتنگی با دومین تعریف شایع دارند، ولی صرفاً بر روی وابستگی‌های متقابل امنیتی کشورها متمرکز می‌شوند. جهت تعدیل و تطبیق مفهوم مذکور با سیاست بین‌المللی معاصر، مایک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به صورت یک دسته کشورها تعریف می‌کنیم که مستمراً تحت تأثیر یک یا چند عامل خارجی امنیتی که از یک ناحیه جغرافیایی متمایز و مجزا ناشی می‌شوند. - قرار می‌گیرند. در یک چنین مجموعه‌ای، اعضا از نظر امنیتی چنان بهم پیوسته‌اند که کنش‌های هریک از اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به یکدیگر پیوند می‌زند. اما قرابت جغرافیایی یک شرط لازم برای عضویت یک کشور در یک مجموعه امنیتی نیست. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای موجود اغلب دارای یک یا چند عضو مهم، نوعاً از میان قدرت‌های بزرگ هستند که قادرند نیرو را به دور دست اعزام کنند؛ از نظر فیزیکی نیز در ناحیه جغرافیایی که مکان هندسی مجموعه امنیتی است، واقع نشده‌اند. (لیک و مورگان، مترجم دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۵)



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از مجموعه داده‌های کمی و کیفی صورت گرفته است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و موردی زمینه‌ای با رویکرد آمیخته می‌باشد. قلمرو تحقیق شامل هشت کشور منطقه خلیج فارس بوده و ابزار گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان) می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و اسمارت پی. ال. اس بوده که با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت افراد خبره و صاحب نظر حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، بنابراین حجم نمونه آماری برابر با تعداد جامعه آماری و ۷۰ نفر برآورد شد. لذا روش نمونه‌گیری به صورت تمام شمار و هدفمند است. جهت سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری این پژوهش از روایی محتوایی (صوری و منطقی) با استفاده از نظرت و دیدگاه‌های ۱۰ نفر از اساتید و متخصصان حوزه‌های امنیت و ژئوپلیتیک استفاده شده است، و برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ در هر سه مرحله استفاده گردید که نتایج پایایی در هر سه مرحله عبارتند از:

جدول ۱: آلفای کرونباخ

مرحله سوم	مرحله دوم	مرحله اول	مراحل
-----------	-----------	-----------	-------

ضریب آلفای کرونباخ	٪۸۷	٪۸۵	٪۷۸
--------------------	-----	-----	-----

### یافته‌های تحقیق

در تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار smart pls مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد و معناداری ضرایب به دست آمد. که ضریب استاندارد در حالت ۰/۶۶ بیانگر ارتباط قوی، ۰/۳۳ رابطه متوسط و ۰/۱۹ یک رابطه ضعیف با الگو می‌باشد. لذا بنابر نظرات صاحب نظران تحقیق میتوان چنین تحلیل نمود که:

- بعد طبیعی (فیزیکی) با ضریب استاندارد ۱،۰۰۰ دارای همگرایی کامل با امنیت جمعی منطقه خلیج فارس می‌باشد.
- بعد نیروی انسانی از نگاه صاحب نظران عوامل واگرا (با ضریب استاندارد ۰،۸۹۱) بیش از عوامل همگرا (با ضریب استاندارد ۰،۷۸۱) بر امنیت جمعی منطقه خلیج فارس نقش آفرینی دارند.
- در بعد عوامل اقتصادی جامعه آماری معتقد بودند که عوامل واگرا (با ضریب استاندارد ۰،۷۵۱) با اندک تفاوتی بیش از عوامل همگرا (با ضریب استاندارد ۰، ۶۹۹) بر امنیت جمعی منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس اثر گذار می‌باشد.
- در بعد فرهنگی - اجتماعی صاحب نظران اعتقاد داشتند که عوامل همگرا (با ضریب استاندارد ۰، ۶۶) و عوامل واگرا (با ضریب استاندارد ۰، ۶۲۷) تقریباً بطور یکسان بر امنیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس تأثیر گذار هستند.
- در بعد سیاسی جامعه آماری معتقد هستند که عوامل همگرا (با ضریب استاندارد ۰، ۷۰۱) بیش از عوامل واگرا (با ضریب استاندارد ۰، ۶۷۶) بر امنیت منطقه خلیج فارس مؤثر و معنادار می‌باشند.
- در بعد نظامی جامعه آماری تأیید کردند که تقویت نامتوزان این بعد در بین کشورهای ساحلی (با ضریب استاندارد یک) بطور مطلق بر واگرایی امنیت جمعی منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس مؤثر است.

### آزمون‌های پایایی مدل

۱- آزمون آلفای کرونباخ: همبستگی سؤالات یک متغیر را بین می‌کند. در این آزمون مقدار آلفا باید بزرگتر از ۰/۷ باشد.

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

	Cronbach's Alpha
عوامل طبیعی	۰.۸۰۲
عوامل انسانی	۰.۷۳۶
عوامل اقتصادی	۰.۷۶۹
عوامل فرهنگی - اجتماعی	۰.۷۹۴

## مدل امنیتی مناطق شکننده ژئوپلیتیکی مورد مطالعه منطقه خلیج فارس

عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی)	۰.۸۹۰
عوامل نظامی	۰.۷۴۷

۲- آزمون همبستگی اسپیرمن بین سؤالات هر متغیر (Rho-a): یک آزمون تکمیلی برای ضرایب پایایی است که اضافه شد که این آزمون باید بزرگتر از ۰/۷ باشد.

جدول ۳: همبستگی اسپیرمن بین سؤالات یک متغیر

	rho_A
عوامل طبیعی	۰.۸۲۴
عوامل انسانی	۰.۷۰۲
عوامل اقتصادی	۰.۸۱۲
عوامل فرهنگی - اجتماعی	۰.۸۲۹
عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی)	۰.۹۰۷
عوامل نظامی	۰.۷۵۴

## آزمون روایی واگرا

آزمون فورنل و لارکر<sup>۱</sup>: این آزمون به متغیرها می‌پردازد یعنی متغیرها باید از یکدیگر واگرایی داشته باشند - جذر AVE هر متغیر باید از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بزرگتر باشد.

جدول ۴: روایی واگرایی ابعاد مدل تحقیق

	طبیعی	انسانی	اقتصادی	فرهنگی - اجتماعی	سیاسی	نظامی
عوامل طبیعی	۰.۷۱۹					
عوامل انسانی	۰.۵۹۵	۰.۷۸۰				
عوامل اقتصادی	۰.۵۹۴	۰.۶۸۲	۰.۸۰۷			
عوامل فرهنگی - اجتماعی	۰.۶۱۰	۰.۶۴۷	۰.۵۸۲	۰.۷۵۹		
عوامل سیاسی	۰.۶۴۷	۰.۵۲۹	۰.۷۷۹	۰.۷۷۹	۰.۸۹۵	
عوامل نظامی	۰.۷۳۲	۰.۶۱۲	۰.۶۷۶	۰.۶۴۴	۰.۶۱۴	۰.۸۶۶

واگرایی متغیرهای مکنون توسط آزمون Fornell-Larcker مورد تأیید قرار گرفت. و آزمون روایی همگرا و آزمون روایی واگر نشان داد که مدل ما صاحب روایی سازه است

## آزمون‌های مدل ساختاری

مدل ساختاری: مدلی است که روابط بین متغیرهای مکنون را بررسی می‌کند در حقیقت فرضیات ما در این مدل بررسی می‌شود در PLS وقتی فرضیه ای معنی دار شد نمی‌توان گفت که آن فرضیه رد یا تأیید

<sup>۱</sup> - Fornell-Larcker

شده است بلکه به خاطر ذات پیش‌بینی کننده PLS این نرم افزار تنها می‌تواند پیش‌بینی می‌کند در یک نمونه بزرگتر از همان جامعه فرضیه رد یا تأیید شود.

### جدول ۵: ضرایب مسیر متغیرهای مکنون تحقیق

	T Value	P Values
همگرا- طبیعی -> عوامل طبیعی	۸.۵۸۷	۰.۰۰۰۰
عوامل طبیعی -> طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۵.۱۹۳	۰.۰۰۰۰
همگرا- انسانی -> عوامل انسانی	۴.۸۴۵	۰.۰۰۰۰
واگرا- انسانی -> عوامل انسانی	۶.۲۲۹	۰.۰۰۰۰
عوامل انسانی -> طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۵.۰۴۶	۰.۰۰۰۰
اقتصادی واگرا -> عوامل اقتصادی	۱۲.۴۶۱	۰.۰۰۰۰
اقتصادی - همگرا -> عوامل اقتصادی	۱۷.۳۰۱	۰.۰۰۰۰
عوامل اقتصادی -> طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۶.۰۰۰	۰.۰۰۰۰
فرهنگی اجتماعی - همگرا -> عوامل فرهنگی اجتماعی	۱۳.۴۳۹	۰.۰۰۰۰
فرهنگی اجتماعی - واگرا -> عوامل فرهنگی اجتماعی	۱۱.۲۹۱	۰.۰۰۰۰
عوامل فرهنگی اجتماعی -> طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۷.۳۳۱	۰.۰۰۰۰
عوامل سیاسی داخلی و بین‌الملل - همگرا -> عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی)	۱۰.۹۰۷	۰.۰۰۰۰
عوامل سیاسی داخلی و بین‌الملل - واگرا -> عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی)	۱۷.۸۸۰	۰.۰۰۰۰
عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی) -> مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۹.۳۴۰	۰.۰۰۰۰
عوامل نظامی -> طراحی مدل امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیک	۶.۵۱۵	۰.۰۰۰۰
واگرا- نظامی -> عوامل نظامی	۱۱.۷۸۴	۰.۰۰۰۰

### آزمون مدل پی ال اس

۱- آزمون SRMR (ریشه میانگین‌های مجذورهای خطاهای باقی مانده)، اگر SRMR کوچکتر از ۰/۰۸ باشد بنابراین مدل کلی pls برازش مناسبی دارد یعنی با مدل مورد نظر در جامعه تطابق دارد.

### جدول ۶: آزمون برازش مدل

	Estimated Model
SRMR	۰/۰۷۲

تفسیر: SRMR کوچکتر از ۰,۰۸ است بنابراین مدل کلی پی ال اس برازش مناسبی دارد یعنی با مدل مورد نظر در جامعه تطابق دارد.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق



در پاسخ به سوال تحقیق که مدل امنیتی مناطق شکننده ژئوپلیتیکی چیست؟ در ابتدا عوامل همگرا و واگرایی ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر امنیت منطقه خلیج فارس احصا شد که در این تحقیق کلیه مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی که در همگرایی و واگرایی امنیت جمعی منطقه خلیج فارس تأثیرگذار هستند، بدون در نظر گرفتن اولویت بندی آنها به شرح ذیل و به صورت کامل بیان شده است.

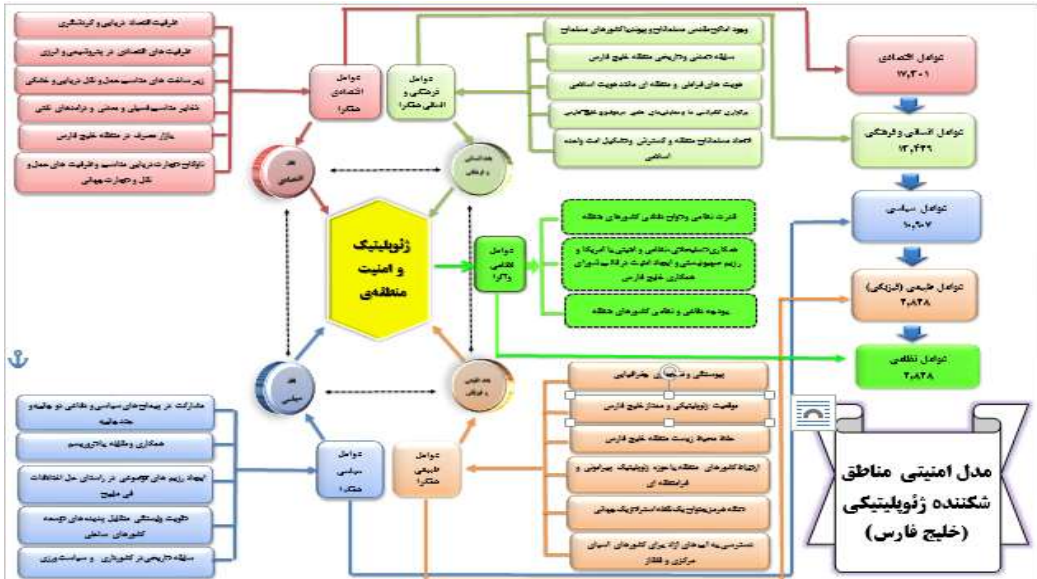
#### جدول ۷: مؤلفه‌های تفکیک شده ابعاد تحقیق در قالب عوامل همگرا و واگرایی ژئوپلیتیکی

<b>همگرایی طبیعی</b>	
موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خلیج فارس	
موقعیت ژئواستراتژیک کشورهای منطقه خلیج فارس	
طول مرز خشکی و خط ساحلی کشورهای منطقه خلیج فارس (ایران بیشترین مرز خشکی و خط ساحلی با خلیج فارس را دارد)	
وسعت کشورهای خلیج فارس بویژه ایران، عربستان و عراق	
اهمیت تنگه هرمز برای کشورهای حوزه خلیج فارس به عنوان یک نقطه استراتژیک در منطقه	
همجواری و پیوستگی جغرافیایی کشورهای منطقه	
ارتباط کشورهای منطقه خلیج فارس با حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهم منطقه غرب آسیا	
قرار گرفتن در آبراه‌های مهم و راهبردی جهان	
بحران آب بویژه آب شرب و لزوم همکاری‌های منطقه‌ای بین کشورهای منطقه خلیج فارس	
<b>همگرایی انسانی</b>	
کمیت جمعیت کشورهای منطقه خلیج فارس	
کیفیت جمعیت کشورهای منطقه خلیج فارس	
نیاز به نیروی کار و مهاجرین در برخی کشورهای منطقه (مانند عربستان، قطر، امارات)	
برخوردراری کشورهای منطقه از سابقه تمدنی و تاریخی (نظیر ایران و عمان)	
<b>واگرایی انسانی</b>	
وجود ناهمگونی نژادی، قومی و زبانی کشورهای منطقه خلیج فارس	
وجود مذهب و جمعیت حداکثر شیعی در برخی کشورهای منطقه به عنوان مذهب غالب	
وجود مذهب و جمعیت حداکثر سنی با گرایش‌های مختلف به عنوان مذهب غالب در برخی کشورهای منطقه	
<b>همگرایی اقتصادی</b>	
وجود ذخایر مناسب فسفیلی و معدنی در کشورهای منطقه و وابستگی اقتصاد این کشورها به درآمدهای نفتی	
وجود ظرفیت‌های بالا در بخش دام‌پروری، شیلات، پتروشیمی، گردشگری، تولید برق، صنعت (خودروسازی، هوا- فضا، الکترونیک)	
ارتباط کشورهای منطقه خلیج فارس با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و بازار جهانی از طریق ایران	
برخوردراری از امکانات نسبتاً خوب در زمینه زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای، دریایی و هوایی در اکثر کشورهای منطقه	
استفاده از ناوگان و تجارت دریایی به عنوان اولویت اول کشورهای این منطقه در رابطه با صادرات، واردات و حمل و نقل کالا	
فقدان شبکه ریلی در برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس	
<b>واگرایی اقتصادی</b>	
نفوذ و تأثیرگذاری برخی کشورهای منطقه در سازمان‌های جهانی نظیر اوپک	

انعقاد قرارداد برخی کشورهای منطقه در راستای احداث نیروگاه‌های اتمی با مقاصد تولید انرژی و تحقیقاتی در طول دو دهه آینده
طرح ایجاد کانال و راه‌های ارتباطی جدید برای صدور کالا و انرژی در راستای عدم وابستگی برخی کشورها به تنگه هرمز
<b>همگرایی فرهنگی – اجتماعی</b>
پیروی اکثریت مردم منطقه از دین مبین اسلام به‌عنوان عامل پایدار و انسجام بخش
وجود اماکن مقدس مسلمانان در مکه و مدینه
سیر صعودی روند نوسازی اقتصادی و تحول اجتماعی در این کشورها
ایفای نقش مؤثر شیعیان در ثبات اقتصادی و سیاسی در برخی کشورهای منطقه خلیج فارس، به لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی
اتحاد مسلمانان منطقه و گسترش همکاری در جهت تشکیل امت واحده اسلامی
<b>واگرایی فرهنگی اجتماعی</b>
هویت ملی و سابقه تاریخی برخی کشورها نسبت به سایر کشورهای منطقه
برخورداری منطقه خلیج فارس از ساختار فرهنگی - مذهبی گوناگون و متفاوت
وجود آداب و سنن قومی، قبیله‌ای در کشورهای منطقه
هویت‌های فراملی همچون پان‌عربیسم در کشورهای منطقه خلیج فارس
رویکرد کشورهای فرامنطقه‌ای در ایجاد شیعه‌هراسی در منطقه
<b>همگرایی سیاسی داخلی و بین‌المللی</b>
وجود نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در برخی کشورهای منطقه خلیج فارس
مقبولیت و مشروعیت حکومت در کشورهای منطقه
کمک و حمایت هریک از کشورهای منطقه خلیج فارس از اقلیت‌های مذهبی (شیعه یا سنی) متقابل
عضویت اغلب کشورها در شورای همکاری خلیج فارس
همکاری سیاسی بین برخی کشورهای منطقه برای مقابله با تروریسم
مشارکت و عضویت در پیمان‌های سیاسی دفاعی دو جانبه و چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی
مسئله فلسطین به‌عنوان یک عامل وحدت و تبدیل آن به یک مسئله هویتی اسلامی - عربی
<b>واگرایی سیاسی داخلی و بین‌المللی</b>
متفاوت بودن نظام حکومتی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس
وجود اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی کشورهای خلیج فارس نسبت به یکدیگر
عدم وجود دموکراسی و فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در برخی کشورهای منطقه به دلیل نظام حکومتی
بروز اختلاف و انشقاق در شورای همکاری خلیج فارس
توازن نامتناسب قدرت در میان کشورهای منطقه (ایران، عربستان و عراق در حد قدرت منطقه‌ای و کشورهای امارات، عمان، کویت، قطر و بحرین جزو قدرت‌های محلی)
وابستگی برخی کشورهای منطقه به قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی
روابط دولت‌های منطقه با آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی
حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تکفیری و تروریستی توسط برخی کشورهای حوزه خلیج فارس

تلاش در جهت ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای مبتنی بر کشورهای عرب خلیج فارس
سیاست‌های خارجی غیر همسو و اغلب دارای مواضع متعارض دولت‌های منطقه نسبت به مسائل مهم منطقه‌ای
نقش و حضور آمریکا و کشورهای اروپایی به‌عنوان بازیگران فرا منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس
<b>واگرایی نظامی</b>
قدرت نظامی و توان دفاعی نیروهای مسلح کشورهای منطقه
میزان بودجه دفاعی کشورهای منطقه خلیج فارس
وابستگی تأسیسات و صنایع نظامی برخی کشورهای منطقه به آمریکا و سایر کشورهای بلوک غرب
همکارهای تسلیحاتی، نظامی و امنیتی برخی کشورها با آمریکا و رژیم صهیونیستی (برخورداری از پایگاه‌های متعدد، انجام رزمایش‌های مشترک و مرکب، انعقاد قرارداد جهت خرید تسلیحات و تجهیزات)
تلاش برخی از کشورهای منطقه در راستای استقرار امنیت از طریق شورای همکاری خلیج فارس

**مدل نهایی**



شکل ۲: مدل امنیت مناطق شکننده ژئوپلیتیکی (خلیج فارس)

**نتیجه گیری و پیشنهاد:**

**الف: نتیجه گیری**

جهت پاسخ به سوال اصلی تحقیق که مدل امنیتی مناطق شکننده ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس چگونه است محقق پس از دریافت پرسشنامه‌ها و مصاحبه با خبرگان موضوع و نهایتاً تجزیه و تحلیل داده‌ها به مدل نهایی دست یافت که پاسخ به سوال اصلی در قالب تفسیر مدل ارائه می‌گردد.

اولین گام برای برقراری امنیت جمعی منطقه‌ای برابر نظر بوزان، کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی دولت‌های احاطه‌شده در منطقه می‌باشند. برابر نظر بوزان تا آسیب‌پذیری‌ها برطرف یا کاهش نگردد امنیت دسته‌جمعی متصور نخواهد بود. بوزان معتقد است وجود آسیب‌ها در دولت‌های منطقه جذابیت تهدیدات را افزایش داده و تقریباً دستیابی به امنیت جمعی ممکن نخواهد شد. بی‌تردید مجموعه عوامل داخلی بر یکدیگر و تمامی عوامل خارجی نیز بر یکدیگر و هر دو گروه بر هم مؤثرند. لکن به نظر می‌رسد برآیند تمامی عوامل (داخلی و خارجی) چنانچه در محیط خارجی منفی باشد، تهدید شکل گرفته است و برآیند تمامی عوامل (داخلی و خارجی) اگر در محیط داخلی منفی گردد آسیب‌پذیری شکل خواهد گرفت. درواقع ناامنی برآیند تهدید و آسیب‌پذیری است، آنگاه که موجب لطمه به ارزش‌های اساسی گردیده باشد. ناامنی درساده‌ترین حالت نتیجه معادله ذیل خواهد بود:

$$I = T * V$$

Insecurity = ناامنی

Vulnerability = آسیب‌پذیری

Threat = تهدیدات

ناامنی = تهدیدات \* آسیب‌پذیری

نکته حائز اهمیت این فرمول این است که به هر میزانی که آسیب‌پذیری به صفر نزدیک‌تر شود به همان میزان ناامنی کاهش خواهد یافت به طوری که اگر آسیب‌پذیری صفر گردد ناامنی کاهش چشم‌گیری خواهد داشت گرچه که تهدید وجود داشته باشد. بنابراین در منطقه خلیج فارس، یکی از عواملی که باعث ایجاد واگرائی‌ها و عدم مشارکت بازیگران منطقه‌ای آن در حل عوامل بی‌ثبات کننده شده است آسیب‌پذیری بالای دولت‌های این منطقه و واحدهای جغرافیایی است. به طور قطع آسیب‌های داخلی دولت‌ها، تهدیدات همجنس خود را جذب کرده و این عامل، بی‌ثباتی و چالش‌های منطقه‌ای را گسترش خواهد داد.

برابر نظر خبرگان این تحقیق، عامل استمرار همکاری در هر پدیده و سازه‌ای، فقط در محیط همکاری امکان‌پذیر است نه در محیط‌های منازعه. لذا شرط ایجاد محیط همکاری و فعالیت‌های منطقه‌ای کاهش آسیب‌های داخلی دولت‌های پیرامونی است.

برای ایجاد روابط مستمر و محکم دفاعی بین دو واحد یا سازه جغرافیایی، بایستی عوامل همگرای ژئوپلیتیکی تقویت و عوامل واگرا در مؤلفه‌های ژئوپلیتیک حداقل ثابت یا تضعیف شوند. لذا در این تحقیق بر این نتیجه نیز صحنه گذاشته شده است که؛ برای ایجاد امنیت پایدار، بین دو واحد یا سازه جغرافیایی (برابر یافته‌های محیط‌شناسی محقق)، عوامل همگرا بایستی تقویت و عوامل واگرا در مؤلفه‌های ژئوپلیتیک تضعیف شوند؛ بنابراین برای برقراری امنیت جمعی کشورهای پیرامون منطقه خلیج فارس اولین گام برداشتن و یا کاهش عوامل واگرا، بی‌ثبات کننده و چالش‌زای ژئوپلیتیک در منطقه می‌باشد. برابر دیدگاه جامعه‌آماری تحقیق، تقویت و تثبیت عوامل همگرای ژئوپلیتیک و کاهش عوامل واگرای آن در منطقه به مشارکت دسته‌جمعی بازیگران منطقه‌ی خلیج فارس نیازمند است، که این مشارکت به‌طور مستقیم بر امنیت جمعی مؤثر خواهد بود.

البته خبرگان تحقیق معتقد هستند که کاهش عوامل بی‌ثبات و افزایش عوامل ثبات‌گرای منطقه خلیج فارس به‌طور غیرمستقیم نیز بر همگرایی امنیت جمعی منطقه خلیج فارس نقش‌آفرین است یافته‌های تحقیق منبعث از چارچوب مفهومی که به تأیید جامعه‌آماری رسیده است نشان می‌دهد که؛ تعریف علائق ژئوپلیتیکی مشترک کشورهای منطقه در راستای توازن منافع ملی آن‌ها به‌طور مستقیم بر امنیت جمعی منطقه‌ی خلیج فارس اثرگذار است. و از طرفی کاهش مجموع عوامل واگرا، بی‌ثبات‌ساز و چالش‌زا ژئوپلیتیکی و تقویت عوامل ثبات‌گرا به‌طور مستقیم بر تعریف علائق ژئوپلیتیکی مشترک کشورهای منطقه اثرگذار است.

نظریه‌های روابط بین‌الملل به این نکته اشاره می‌کند که یکی از عوامل نقش‌آفرین بر روابط بین‌الملل در یک محیط مشارکتی، وابستگی‌های متقابل سرزمین‌ها نسبت به یکدیگر است.

برابر نظر خبرگان این تحقیق نیز تقویت وابستگی متقابل پدیده‌های توسعه‌ی کشورهای ساحلی منطقه خلیج فارس، به‌طور مستقیم بر امنیت جمعی حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس معنادار و نقش‌آفرین است. آن‌ها معتقدند که وابستگی متقابل به‌طور غیرمستقیم از عامل ژئوپلیتیکی، از تعریف علائق ژئوپلیتیکی مشترک کشورهای منطقه در راستای توازن منافع ملی آن‌ها تأثیرپذیر است. همچنین این وابستگی به‌طور غیرمستقیم بر عامل تعریف رژیم‌های موضوعی در راستای حل اختلافات دو یا چندجانبه‌ای کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال برای حل اختلافات ناشی از برداشت‌های میداین مشترک گازی و نفتی می‌توان یک رژیم موضوعی خاص بین دولت‌های منطقه خلیج فارس تعریف کرد. یا برای حل اختلافات سه جزیره جمهوری اسلامی ایران با امارات متحده عربی

می‌توان با کمک سایر کشورهای منطقه فوق و بهره‌گیری از قوانین بین‌المللی یک رژیم موضعی در این خصوص تعریف تا برای همیشه این اختلاف برچیده شود.

صاحب‌نظران تحقیق این اعتقاد را داشتند، که یکی از عمده فعالیت‌های جمعی بازیگران منطقه خلیج فارس مؤثر بر امنیت ملی منطقه موصوف نبود رژیم‌های موضعی است که عامل اختلاف و چالش‌های بین بازیگران می‌باشد، آنان بر این باورند که تعریف واحدی از رژیم‌های موضعی در راستای حل اختلافات دو یا چندجانبه‌ای کشورهای منطقه می‌تواند به‌طور مستقیم بر امنیت جمعی اثرگذار باشد.

در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای آمده است که تعامل منطقه با مناطق همسایه باعث می‌شود که بازیگران یک منطقه ژئوپلیتیکی تحلیل‌کننده دنبال چه چیزی در خارج از منطقه باشند و چگونه به آن‌ها دسترسی پیدا کنند، خود این مهم می‌تواند عامل همگرایی و ثبات‌کننده را به وجود آورد.

خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه نیز بنا به دلایل مطرح شده بالا، اعتقاد داشتند که تعامل منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با سایر مناطق ژئوپلیتیک پیرامونی و فراپیرامونی به‌طور مستقیم بر امنیت جمعی این حوزه مؤثر است. از دید جامعه‌آماری این عامل محقق نخواهد شد تا زمانی که اختلافات دو یا جانبه در یک سازه جغرافیایی وجود داشته باشد؛ لذا آنان معتقد بودند که عامل تعامل منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با سایر مناطق ژئوپلیتیک پیرامونی و فراپیرامونی از عامل تعریف رژیم‌های موضعی در راستای حل اختلافات دو یا چندجانبه‌ای کشورهای منطقه تأثیرپذیری غیرمستقیم دارد. البته این نکته ضروری است که مناطق ژئوپلیتیک از سطوح بالاتر و پائین‌تر خود تأثیر می‌پذیرند و بر آن نیز تأثیر می‌گذارند. براساس این رویکرد، بازیگران داخلی منطقه خلیج فارس در تعامل با سایر مناطق ژئوپلیتیک دیگر باید به نکات ذیل توجه کنند:

- مناطق ژئوپلیتیک با هم متفاوتند ولی ضرورتی برای طرح معیارهای متفاوت برای هر منطقه وجود ندارد.

- ساختار و نظام امنیتی مناطق متفاوت است. (دوقطبی، تک قطبی یا چند قطبی)

لذا بازیگران منطقه داخلی خلیج فارس باید به سمت منافع مشترک حرکت کنند و کاری با ساختار و نظام امنیتی سایر مناطق ژئوپلیتیکی نداشته باشند. و بهترین نوع مدلی که می‌توان برای این منطقه متصور شد برابر با یافته‌های تحقیق تأکید بر عامل اقتصادی و به دنبال آن عامل فرهنگی در ابتدای امر می‌باشد که می‌توان از بالاترین عوامل همگرایی احصاء شده شروع نموده و به دنبال آن با استفاده از سایر عوامل ژئوپلیتیکی به ترتیب اولویت، نهایتاً به همگرایی در مباحث دفاعی، امنیتی و نظامی رسید. البته بالاترین عامل واگرا از دید جامعه خبرگی عامل سیاسی است که نباید از آن غافل شد.

**ب: پیشنهادها**

در حال حاضر خلیج فارس در مرحله سوم نظریه‌ی تکامل منطقه ژئوپلیتیکی قرارداد و نیروهای واگرا مسلط برهمگرا هستند. برای اینکه بتوان این سازمان منطقه‌ایی را در منطقه خلیج فارس تشکیل داد و به مدل امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس رسید در ابتدای امر اراده سیاسی حکام منطقه بسیار مهم بوده لذا اگر این مهم اتفاق بیفتد در ادامه، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود.

۱- اهتمام رهبران سیاسی منطقه خلیج فارس برای گفتگو و اعتمادسازی متقابل با اولویت سه قدرت منطقه یعنی ایران، عربستان و عراق. (البته با تحولات اخیر در عراق در حال حاضر قدرت منطقه‌ای نبوده اما حضور آن در این گفتگو و اعتمادسازی لازم است).

۲- مشارکت عقلایی و مسولانه علمای شیعه و سنی، مقامات سیاسی و نخبگان علمی و اجتماعی و فرهنگی برای توسعه صمیمیت و اعتماد متقابل در دو سطح حکومتی و شهروندی از طریق اجلاس‌ها و کنفرانس‌ها. (تاکنون در خلیج فارس هیچ کنفرانس علمی مشترک منطقه‌ای تشکیل نشده تا حداقل در مورد مسائل منطقه خلیج فارس گفتگو شود)

۳- اهتمام به آغاز فرایند تنش‌زدایی و همگرایی تدریجی و پیشرونده: از دید ژئوپلیتیک در یک منطقه ژئوپلیتیکی بحران زده‌ای مانند خلیج فارس نمی‌شود از همان ابتدا از ساختار و امنیت منطقه‌ای صحبت کرد. سازمان امنیتی منطقه‌ای پیش شرط لازم دارد. ساختار امنیت منطقه‌ای مرحله عالی‌ست که صمیمیت در حد نهایی است همه اعضا با هم دوست هستند و به هم اعتماد دارند. آنجا می‌توان از امنیت صحبت کرد.

۴- اتخاذ استراتژی ژئواکونومیک و نهادسازی اقتصادی فراگیر و تاسیس سازمان همکاری اقتصادی در منطقه خلیج فارس که مؤلفه‌های این راهبرد اکونومیک هستند. در نهادسازی اقتصادی فراگیر همه هشت کشور منطقه باید عضو این منطقه باشند. که جهت این نهاد سازی موارد ذیل قابل توجه است:  
الف: نگرستن به منطقه خلیج فارس به عنوان یک کلان منطقه برنامه‌ریزی اقتصادی که در مرحله اول حوضچه و سپس کرانه‌های ساحلی خلیج فارس، مرحله بعد فضای کل هشت کشور و مرحله بعدی مناطق فرادست در بر گیرد. البته لازمه آن این است که (هر کشور به طور مجزا برای خودش برنامه‌ریزی منطقه‌ای نکند).

ب: ابتنای این سازمان توسعه‌ای منطقه خلیج فارس بر پنج مؤلفه اقتصادی: ۱- انرژی فسیلی ۲- صنعت ۳- تکنولوژی برتر ۴- تجارت و ۵- توریسم باشد.

ج: توسعه و مشارکت سرمایه گذاری‌های بین‌المللی و تکنولوژی‌های نوین و پیشرو از تمام دنیا بویژه از منطقه اروپا، شرق و جنوب شرق آسیا و آفریقای شمالی.  
د: پیوندزدن منافع اقتصادی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی به یکدیگر و سرمایه‌گذاری و تکنولوژی در این سازوکار تامین شود.

۵- هدف گذاری بلند مدت برای تبدیل منطقه خلیج فارس با این زمینه اقتصادی به قطب توسعه اقتصادی و پارک منطقه‌ای صنعت و فناوری‌های برتر در جهان (قرینه آ.سه.آن) و اگر این مهم اتفاق بیفتد می‌تواند بین منطقه صلح و همزیستی و همگرایی را توسعه دهد و منطقه را با مناطق پیرامون خودش پیوند زند. و یک قطب کارکردی ایجاد شود. در اوراسیا و برّ قدیم با پهنه‌های توسعه یافته جغرافیایی جهان مانند شرق و جنوب شرق، اروپا و آفریقا شمالی حتی اقیانوسیه حتی در آفریقای جنوبی میتوان خیلی از تعاملات را افزایش داده و ایجاد امنیت نرم نمود. امنیت نرم برای ساکنین منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، امنیت، منزلت، قدرت و رفاه به همراه خود داشت. و الگوهای امنیتی سخت که مبتنی بر استراتژی‌های نظامی هستند کم رنگ شده و حضور مداخله کنندگان گمرنگ شده و در ادامه از تنش‌ها کاسته شده و استراتژی امنیتی منطقه‌ای، امنیت ژئوپلیتیکی یا امنیت نرم مبتنی بر فلسفه‌ی ژئوپلیتیک انسان‌گرا خواهد شد .

۶- رسیدن به فهم مشترک از تهدید در ایجاد و تشکیل توافق و تفاهات مهم می‌باشد. لذا می‌توان از موارد ساده همکاری و توافق شروع نمود. بعنوان مثال قرارداد عدم تعرض بین کشورهای خلیج فارس، تفاهم برای حل سیاسی اختلافات ارضی و مرزی، مشارکت سیاسی - اقتصادی در خصوص کشورهای مورد اختلافات بین اعضای خلیج فارس (اختلاف بین ایران و عربستان در مورد عراق و ...).

۷- بهره‌گیری از ظرفیت‌های معاهدات، کنوانسیون‌ها و اسناد حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور جلوگیری و حل مناقشات ارضی و مقابله با تغییرات زیست‌محیطی خلیج فارس.

### فهرست منابع:

- احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی و مختاری هشی حسین، (۱۳۸۹)، تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره اول.



- احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۸۹)، تبیین ژئوپلیتیکی شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای آسیای مرکزی و خزر با محوریت ایران، مجموعه مقالات دومین همایش بازرگاری روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی، مشهد دانشگاه فردوسی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۵)، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید.
- بیک بیلندی، علی اصغر، (۱۳۹۵) رساله دکتری با عنوان تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی دریای خزر بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- بیک بیلندی، علی اصغر (۱۳۹۵) تأثیر عوامل ژئوپلیتیک سیاسی حوزه دریای خزر بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع، فصلنامه شماره ۶۵، مطالعات دفاعی استراتژیک
- جمالی، حسین. (۱۳۸۵). تاریخ و اصول روابط بین‌المللی، چاپ پنجم، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۸)، مبانی ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس، مجموعه مقالات چهاردمین همایش خلیج فارس، تهران، مؤسسه جغرافیایی.
- رشید، غلامعلی و همکاران، (۱۳۸۶)، الگوی نظام طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیک، تهران، فصلنامه شماره ۲ ژئوپلیتیک.
- روشنی، رضا (۱۳۹۷) تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران با چین و تأثیر آن بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- زمانی، ابوالفضل، زمانی، محسن (۱۳۹۶)، واکاوی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره ۱۲
- سازمند، بهاره و جوکار مهدی (۱۳۹۵)، مجموعه امنیتی منطقه ای، پوشش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، فصلنامه علمی پژوهشی ژئوپلیتیک، تابستان، شماره ۴۲
- سیف زاده، سیف زاده، حسین، (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌المللی؛ مناسبات و کارآمدی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شاملو رضا، فرجی راد عبدالرضا (۱۳۹۹) واکاوی علائق مشترک و چالش‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۸۲، زمستان، صفحات ۴۰۳ تا ۴۲۸.

- عباس پورباغابری، عباس وخواجوئی راوری، محمد حسن (۱۳۹۴) بررسی امکان‌سنجی ایجاد همگرایی امنیتی در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس از منظر رئالیسم ساختاری، فصلنامه سیاست دفاعی، تابستان شماره ۹۱.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل، انتشارات سمت، تهران.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۶) مبانی نظری امنیت، انتشارات تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- نجاتی فرد، علی (۱۳۹۳)، رساله دکتری، نقش عوامل ژئوپلیتیک کشور عمان در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- یاری، احسان و عبدعلیپور، وحید (۱۳۹۵)، تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی فی مابین، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳، پاییز.